

آقای ستانیزی! برای بی اعتبار ساختن استقلال کشور، چقدر پول از انگلیس و پاکستان می گیرید؟

(قسمت ششم)

نظریات داکتر ستانیزی و وحید مزده از یک منبع آب میخورند:

باوه گونی های داکتر الیهیات واسطوره ها ستانیزی، از نوع جفنگیاتی است که آقای وحید مزده، اجنت معلوم الحال آی اس آی، پنج سال قبل در مقاله ای (نگاه نو به تاریخ استقلال)، نوشته بود: جنگ استقلال برای انحراف افکار عامه علیه امیرامان الله خان با انگلیسها براه افتاده بود. اکنون هم داکتر ستانیزی عین ادعا را تکرار میکند.

دانشمند افغان، داکتر زمانی در این ارتباط توضیح میدهد که: «عمده ترین مرام جنبش مشروطه خواهی استرداد استقلال افغانستان بود. امان الله خان که در اوج مبارزات استقلال طلبانه و مشروطه خواهی درحالیکه مانع بزرگ یعنی امیرحبیب الله خان از سر راه برداشته شده و امکان تحقق آزادی کامل افغانستان از یوغ اسارت امپراتوری انگلیس مهیا شده بود، آگاهانه و از همان روز نخست اعلان سلطنت خود، طالب استقلال و آزادی کامل افغانستان بود. او که احساسات شدید آزادی طلبی و ضد استعماری اش از آغاز جنگ جهانی اول از کسی پوشیده نبود، و از داعیه ملیگرایان و آزادی طلبان و تلاش های هنیت ترکی-آلمانی برای استقلال هند نیز آشکارا حمایت میکرد، مصمم بود استقلال کشور را، چه از طریق صلح و مذاکره و یا زور و جنگ، حاصل کند.»

یکی دیگر از دشمنان استقلال و شاه امان الله و جنبش مشروطیت، کسی بنام وحید مزده است که در مقاله (نگاه نو به تاریخ استقلال) خود، مثل داکتر ستانیزی، بر بزرگترین افتخار افغانان یعنی استقلال افغانستان خط بطلان میکشد و میگوید که افغانها در طول ۹۰ سال بدون موجب و نادانسته از روزی بنام استقلال تجلیل کرده اند، درحالی که آنها کدام پیروزی در برابر انگلیسها در جنگ سوم نداشته اند پس نمی باید مردم به آن افتخار کنند. چنین یک نوشته بی خنجر زدن برسینه تاریخ ما و همه وطن پرستان است و کاملاً با نظریات داکتر ستانیزی همسونی دارد و از یک منبع منشاء میگیرد و آن منبع دستگاه استخبارات آی اس آی پاکستان، این دشمن مادر زاد افغانستان است. هیچ افغانی اگر نره بی از احساس وطن دوستی در وجودش موجود باشد، یک چنین نوشته ضد ملی و ضد روحیه استقلال طلبی و آزادی دوستی افغانی را بیرون نمیدهد، چونکه هیچگونه بنیاد علمی ندارد و در آن برجان بازیهای پدران و نیاکان ما خط چلیپا میکشد.

در مقاله مذکور، دو مسئله پر اهمیت سیاسی و تاریخی: یکی استقلال سیاسی افغانستان و دیگری اهداف استقلال طلبی مشروطه خواهان دوم زیر سوال قرار گرفته است. افزون بر این، چهار شخصیت مهم و محوری مشروطیت دوم بشدت مورد تخریب قرار گرفته اند. این چهار شخصیت عبارتند از:

۱- تخریب شاه امان الله غازی،

۲- تخریب محمود طرزی، رهبر و بنیان گذار سراج الاخبار و جنبش مشروطیت دوم،

^۱ داکتر زمانی، حملات لجام گسیخته و بی پایه بر غازی امان الله خان، محصل استقلال افغانستان، افغان جرمن آنلاين، سپتمبر ۲۰۱۴

۳- تخریب جنرال محمد نادر خان، فاتح تل و بعد ها پادشاه افغانستان،

۴- تخریب غبار، مؤرخ نامورکشور و عضو رادیکال جنبش مشروطیت دوم و سوم،

هموطنان آگاه ما بیاد دارند که ۹۵ سال قبل نوکران حلقه بگوش انگلیس درتباتی با ارتجاع داخلی و عناصر ضد ترقی و تحولات اجتماعی، علیه شاه امان الله، شاهی که برای مردم افغانستان آزادی و استقلال و سرفرازی عرضه کرده بود و برای تساوی حقوق افراد این کشور قانون اساسی را با عالی ترین مبادی حقوقی آن بمیان آورد و در جهت آزادی زنان و تامین حقوق آنها گام برداشت و جز ترقی و تعالی و رفاه افغانستان آرزوی دیگر نداشت، با هزار ویک دروغ و اتهام و افترا متهم کردند و سرانجام آن رژیم مترقی را با سقوط رو برو ساختند. مگر بجای آنکه شخص بهتری از امان الله خان را پیدا کنند و بر سریر سلطنت بردارند، یک دزد بیسواد و قطاع الطریق بنام بچه سقاو را برفرق مردم سوار کردند تا دیدند آنچه را که نباید می دیدند. بقول غبار، انقراض سلطنت شاه امان الله و استقرار حکومت اغتشاشی بچه سقاو بجای آن در افغانستان به حیث یک «فاجعه تاریخی» تلقی گردید.^۲

من در نقد خود بر مقاله وحید مزده، با اسناد و شواهد تاریخی و دلایل منطقی به اثبات رساندم که استقلال افغانستان دست آورد بزرگ مشروطه خواهان و در رأس شان شاه امان الله است و بر اثر صدای جهاد بخاطر استقلال از سوی شاه امان الله بود که مردم فداکار و قهرمان افغانستان، خود را برای یک رستاخیز ملی آماده کردند و با فداکردن سر و جان و مال خود، گوهر گرانبهای آزادی و استقلال را از چنگ استعمار انگلیس بدست آوردند و به ملت افغان ارمان نمودند. نمیدانم اگر افغانها این گوهر پربها را از دست بدهند چه چیزی برای سربلندی و افتخار خود دارند؟

بدین سان مشاهده میگردد که این دو شخص، دارای عین طرز دید و عین موضع گیری علیه استقلال و علیه محصل استقلال شاه امان الله اند، و این ظن را در انسان ایجاد میکند که منبع دستور هر دو تای شان، یکی است و آن سازمان استخبارات پاکستان ISI است. و سازمان استخبارات پاکستان، مخوف ترین و سیاه ترین سازمان جاسوسی در منطقه است که از دستش دل هند و امریکا و افغانستان تکه تکه است و نمیکذارد که آب خوش از گلوی افغانها و هندی بخوشی و خوبی فروبرود.

نظریات برخی از نخبه گان سیاسی و اهل اندیشه درباره شاه امان الله :

خان عبدالغفار خان، زعیم بزرگ قبایل سرحد جنوب شرقی، در جون ۱۹۲۸ در مجله «پشتون» در باره امان الله خان چنین نوشت: "در تمام قوم پشتون صرف یک پادشاه و آنهم امان الله خان است. بر هر یک از پشتونها فرض است تا از وی همانگونه حمایت کنند چنانکه از برادر سکه خود میکنند. بلحاظ خدا باری بسوی اقوام دیگر نظر بیندازید که آنها چگونه از پادشاه خود حمایت مینمایند و با یک سخن شاه خود جان و مال و نزدیکیان خود را قربانی میدهند (منظور وی رضاشاه در ایران و کمال اتا ترک در ترکیه بود) برای اتحاد و اتفاق و یگانگی و تنظیم امور هر قوم ضروری است تا از اوامر رهبر و سرکرده و پادشاه خود پشتی بانی کنند و کامیابی شاه را کامیابی خود و ناکامی او را ناکامی خو تصور کنند. و هیچوقت نباید حرف و سحنی برضد او گفت که باعث نفاق و خون ریزی میان مردم شود."^۳

پاچا خان در عین حال آن روحانیون وابسته به انگلیس را نیز رسوا میکرد و به اقوام و قبایل پشتون خاطر نشان مینمود که فریب دسایس لارنس انگلیس را نخورند. بر اثر چنین موضع گیری افغانستان دوستانه و دفاع از شاه امان الله این نشریه در اواخر سال ۱۹۲۹ از جانب استعمار انگلیس مصادره گردید.

جنبشی را که شاه امان الله با یاران خود براه انداخته بود، شیپور بیداری برای بسیاری از مستعمرات انگلیس در آسیا شده بود. در همان زمان علامه اقبال در وصف شاه امان الله سرود که :

^۲ - غبار، ج ۱، ص ۸۳۴

^۳ - غازی امان الله خان د افغانستان د خپلواکي ستوري، دمقالو ټولگه، ص ۱۵۸ مقاله پروفیسر دکتر وقار علی شاه کاکاخیلیدیه شود.

ای امیرکامگار ای شهریار
چشم تواز پردگیها محرم است
نوجوان و مثل پیران پخته کار
دل میان سینه ات جام جم است
حزم تو آسان کند دشوار تو
ملت صد پاره را شیرازه بند^۴
همت تو چون خیال من بلند

"مصری ها امان الله خان را شخص دموکرات و دوستدار ملت میشناختند و وی را رمز آزادی و مبارزه علیه استعمار انگلیس برای ملت مصر و شرق می دانستند. مصریها امان الله خان رامثال عالی یک پادشاه شرق در قرن بیستم میدانستند. مصریها با تعریف از امان الله خان میخواستند کراهیت خود را نسبت به شاه مصر و استعمار انگلیس ابراز کنند."^۵

مصریان شاه امان الله را «ستاره شرق» لقب داده بودند و برای مسلمانان هند، افغانستان قلب اسلام به حساب می آمد و امان الله خان را پادشاه خود میدانستند^۶، به همین خاطر جنبش هجرت در هند بر تانوی به حرکت آمد و تعداد بسیاری از هندیهای آزادی طلب، راه افغانستان در پیش گرفتند که در آنجمله یکی هم خان عبدالغفار خان و دیگری ابوالکلام آزاد بود. شاه امان الله در همین زمان (۱۹۲۰) به خان عبدالغفار خان لقب «فخر افغان» را بخشید و از وی تکریم نمود.^۷

موریس فوشه، سفیر فرانسه در افغانستان در عهد امانی، در باره شاه امان الله می نویسد: "کلمات نمیتواند بزرگی و عظمت شخصیت او را بیان کند. این جوان در مقایسه با عمر خود در امور سیاسی شعور عجیب و حیرت آوری دارد. با شجاعت اهداف مشخص خود را به پیش می برد. هنگامی که من او را ملاقات کردم، لباس جنرالی بتن داشت. جلد سفید، چشمان سیاه و درشت دارد. در چشمان او اقتدار و حزم و اعتدال معلوم می درخشید. امان الله خان از اثر ذکاوت سرشار، شهامت و فهم مسایل سیاسی، هر کس را تحت تاثیر خود قرار میداد. امان الله خان این کفایت را دارد که مسایل پیچیده به ارتباط همسایگان (روس و انگلیس) را با اطمینان کامل مطرح کند و نظر و فیصله خود را نسبت به آنها صادر نماید. او صاحب عزم و اراده قوی است. تاهنوز صیقل زمانه را ندیده و کامیابی های زیادی را نصیب شده است. بطور مثال در مدت اندک افغانستان را به تمام جهان معرفی کرده است."^۸

فرایزر تنلر مؤرخ و سفیر انگلیس در کابل (که از بدخواهان امان الله خان بود) در باره او مینویسد: «امان الله خان متصف بشجاعت و دوستی زعامت بود و از اجداد خود پاینده خان تقلید میکرد. امان الله خان شخص وطن دوست و طرفدار ترقی افغانستان بود و میخواست افغانستان در بین کشورهای جهان صاحب مقام عالی باشد. امان الله خان خطیب ارجمند و در شئون بین المللی معلومات کافی داشت. نقطه ضعف در شخصیت امان الله خان آن بود که دارای غرور و خود خواهی بود.»^۹

لودویک آدمک افغانستان شناس امریکائی مینویسد: «امان الله خان یک پادشاه و زمامدار منور اما کم تجربه بود. توسط یک دسته محدود افغانهای ترقی پسند حمایت میشد. او سعی کرد تا تمام مردم افغانستان را از خواب گران بیدار سازد و از حیطة ارتجاع و محافظه کاری بیرون کشد، و یک راه بهتر حیات را برای همه ایشان وانمود سازد... تصورات و اندیشه های امیر افغانستان بسی روشن و واضح بود: او میخواست یک ملت قوی، متکی به خود و آزاد داشته باشد، و یک دولت مترقی و معاصر اسلامی را تشکیل دهد. در عهد او خواب هایش درست تعبیر نشد و صدق پیدا نکرد.»^{۱۰}

دانشمند افغان، داکتر سینتا، سابق وزیر امور خارجه افغانستان و اکنون مشاور امنیت ملی کرسی، به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت شاه امان الله در سخنرانی خود در کابل گفت: "شاه امان الله، در شیفستگی به استقلال و آزادی

^۴ - _asad_roze_asteklal_afghanistan.pdf^http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/farani_masood-

^۵ - فضل غنی مجددی، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله، چاپ ۱۹۹۷، امریکا، ص ۳۳۰

^۶ - ریه تالی ستوارت، آتش در افغانستان، ترجمه کهسار کابلی، ص ۳۲

^۷ - علامه محمود طرزی، شاه امان الله و روحانیت متفقد، ص ۱۹۴ بجد

^۸ - تیمورشاه یوسفزی، سایت بینوا، ملی تاریخ،

^۹ - فضل غنی مجددی، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان، ص ۲۳۰

^{۱۰} - لودویک آدمک، روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم، ترجمه پوهاند محمدفاضل صاحب زاده، پشاور، ص ۱۲۳

این میهن، سرآمد همه سرداران و سالاران آزادی کشور ماست. این سرزمین یاد و نام شاه امان الله را همچنان با افتخار و سرپلندی، تا سرمدی، تا جاویدانه، بلند نگه خواهد داشت. او فرزند راستین این آب و خاک بود، عاشقی سینه چاک به میهن و مردم.^{۱۱}

نویسنده نامدار و پرکار افغانستان، دکتر سید خلیل الله هاشمیان در مقاله خویش به ارتباط سخنان سبک مایه دکتر ستانیزی مینویسد: «من از روزیکه بحیث یک کم سواد قلم بدست گرفته ام، مراملیگراخوانده اند و به آن افتخار میکنم - بنظر من، باستناد اوقات طولانی که در اوراق تواریخ داخلی و خارجی مرور کرده ام، بعد از اعلحضرت امپراطور احمدشاه بابای درانی، مؤسس افغانستان نوین، دومین زعیم افغان که با اینارو دلسوزی بملت و کشور افغانستان خدمت کرده، اعلحضرت غازی امان الله خان بوده است. لهذا باساس اهانت نا بخشودنی که دکتر زمان ستانیزی در ملای عام بافتخارات ملت افغان حواله کرده، در قطار ملیگرایان افغان، او را از افغانیت و اسلامیت خنثی میشمارم.»^{۱۲}

ادمک، یاد آور میشود که در لویه جرگه ۱۹۲۴ برای تقدیر از خدمات امان الله خان تحایفی مثل: شمشیر و تفنگ و القاب: الغازی امیر المومنین تولواک امان الله، و همچنان لقب سیف الملت والدین را پیشنهاد کردند، اما امان الله خان از این هدایا تنها تفنگ را پذیرفت و از قبول لقب تولواک و همچنان لقب غازی امتناع ورزید و تنها به لقب امیر بسنده کرد.^{۱۳}

مژدگانی بزرگ تشریف فرمائی اعلیحضرت امان الله خان به آلمان



شاه امان الله و ملکه ثریا در ۱۹۲۷

در سال ۱۹۲۸ شاه امان الله حین سفر به کشورهای اروپائی به آلمان رفت و مورد استقبال گرم دولت و ملت آلمان قرار گرفت. بقول شاعر فرهیخته کشور مسعود فارانی (فعالاً مقیم المان)، مردم آلمان به استقبال تشریف آوری اعلیحضرت امان الله خان به کشور شان، لقب «سلطان قلب ها» را به او داده بودند و آنرا بوسیله ترانه ای در تمام کودکان آلمان به کودکان آموخته بودند. بعد ها همین لقب در ایران بر فیلمی بنام «سلطان قلبها» گذاشته شد و در افغانستان نیز این لقب را احمد ظاهر خواننده محبوب افغانها نصیب گردید. آقای فارانی لینک ذیل را بحیث سند و مدرک شاهد می آورد.^{۱۴}

^{۱۱} - افغان - جرمن آنلاین، سخنرانی دکتر اسپننا بمناسبت پنجاه سالگی درگذشت شاه امان الله

^{۱۲} - دکتر هاشمیان، دکتر ستانیزی پوچ گفت و بوی بد کشور، پورتال افغان جرمن آنلاین، لینک

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/hashemian_khalil_zaman_stanzai_poch_goft.pdf

^{۱۳} - لودویک ادمک، روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم، ترجمه پوهاند محمد فاضل صاحب زاده، پشاور، ص ۱۲۳

^{۱۴} - http://www.deutschlandfunk.de/ullemulle-koenig-der-herzen.-.de.html?dram:article_id=۱۲۴۷

در همان زمان، سال قبل از امروز یکی از نویسندگان ایرانی مقیم آلمان، مقاله بس ارزشمندی، در باره شخصیت و نیات نیک اعلیحضرت امان الله خان نوشته و خیر ورودش را به کشور آلمان به هموطنان خود مزدگانی داده و شخصیت دینامیک و پویای شاه امان الله را با پترکبیر روسیه به مقایسه گرفته است.

نظر نویسندگان ایرانی در باره اعلیحضرت غازی امان الله خان، برای ما افغانها حایز اهمیت بسیار و ارزش بزرگ تاریخی است. قدر و ارزش چنین نوشته ای را هموطن با درک ما، **عارف گذرگاه** (مقیم فرانسه) خوبتر میداند که از لای هزاران ورق پاره کهنه آنرا کشف کرد و از طریق پورتال افغان جرمن به معرض دید خوانندگان گذاشت. خواندن این مقاله به هرافغان علاقمند به تاریخ وطن، احساس غرور و سربلندی می بخشد. ما با اظهار سپاس از آقای عارف گذرگاه، بخش های از آن مقاله را در اینجا انعکاس میدهیم تا آئینه ای باشد برای آنها که بر ضد افتخارات تاریخی وطن خود کمر بسته اند. آنها باید این مقاله را بخوانند و از آنها یاد بگیرند که افغانستان عزیز چه بزرگ مردانی چون اعلیحضرت امان الله خان، در دامن پاک خود پرورش داده که حتی مردمان کشورهای دور و نزدیک به نام و کارنامه های وی افتخار میکنند.

در مجله علم و هنر ایرانیان مقیم برلین آلمان، زیر عنوان فوق از قلم ابوالقاسم وثوق مهندس، در باره شخصیت و نیات نیک شاه امان الله چنین آمده است:

«ما مشرق زمین را نیز سزد که به درگاه خالق بیچون سجدهء شکر بجای آوریم که ما را هم پس از قرنهای بیچارگی و ناامیدی یکباره بدون انتظار از یک طرف فرصت ترقی و رستگاری آزاد و از طرف دیگر مردان زبده و قوی پنجه ای که گونی مشیت الهی مخصوصاً برای انجام این مقصود عالی و منظور بلند تدارک نموده تفضل فرموده است.

اگر از یک طرف وضع طبیعی و اجتماعی مملکت و ملت افغانستان را که در ناف آسیا و در جانی واقع شد که باد صبا نسیم جان بخش ترقیات فرنگستان را بدانجا نمی تواند برساند و از طرف دیگر اقدامات بزرگ اساسی و تجلیات روشن و درخشانی را که در مدت اندک از طرف شخص اعلیحضرت امان الله خان به ظهور پیوسته در نظر بگیریم، بطور عیان و به نحو آشکار مسلم خواهد گردید که موهبات مخصوص عالم بالا و فیوضات خداوند توانا شامل افراد آن مملکت، خصوصاً و تمام ممالک مشرق زمین گردیده است. چه بدیهی و غیر قابل انکار است که امروزه اگر یکی از ممالک مزبور را از نعمات پیشرفت و ترقی و تعالی نصیبی حاصل گردد، دیگران هم از آن بهره دار و برخوردار خواهند بود.

اعلیحضرت امان الله خان به کالبد ملک و ملت خود جان و روان تازه دمیده و اینک نیز مانند **پتر کبیر** فقط و فقط به قصد درک و اخذ وسایل سعادت مندی ملت خود نه برای تعیش و خوشگذرانی چنانکه متأسفانه عادت سلاطین و بزرگان مشرق زمین بوده تشریف فرمای اروپا گردیده اند. این پادشاه جوان کاردان و کارفرما چنانکه در تمام نشریات و جراید و مجلات دیده می شود از دقیقه که قدم از مملکت خود بیرون نهاده، تا امروز پیوسته مشغول معاینه و ملاحظه و مشاهده آثار علمی و فنی اروپا بوده و در این راه برآستی یک ثبات و استقامت خستگی ناپذیر فوق العاده مشهود داشته اند که کمتر نظیر آن دیده شده است.

ما و تمام کسانی که اعلیحضرت امان الله خان را می شناسند یقین قطعی داریم که میل و رغبت ایشان در اخذ و تعمیم و ترویج ترقیات اروپا در مملکت خود کمتر از پتر کبیر نیست و امیدواریم که همانطور که زحمات و خدمات پتر کبیر اساس عظمت و شکوه روسیه گردید، افغانستان نیز در نتیجه مساعی پادشاه ملت دوست خود و در پرتو همت و شهامت او به زودی درجات عالی ترقی و خوشبختی و رفاه نایل گردد.

کارکنان مجله «علم و هنر» از صمیم دل و جان و با یک خلوص نیت و صفای باطن برادرانه تیریکات و تنهیات بی ریای خود را تقدیم ملت محترم و محبوب افغانستان به داشتن چنین پادشاه رعیت پرور و خسرو بزرگ و سرور بزرگواری داشته و یقین و ایمان کامل دارند که در کنف حمایت و مساعی این شهیار معظم به زودی به مراتب عالی سیادت نایل گردیده و همای سعادت ایشان به دام و ایام بهروزی و فیروزی بکام و شأن و شوکت و کاخ دولتشان امین و مصنون خواهد بود.

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیبان

خداوند این ذات شریف را برای آنها سالیان دراز در کمال قدرت و کامیابی محفوظ و مصنون دارد که هم به ملک خود و هم به عالمیان و مخصوصاً به ملل مشرق زمین صدق این کلام بلند را ثابت فرمایند که «عسی الایان این یرجعن قوماً کالذی کانوا»!

از آنجائیکه برای کارکنان مجله «علم و هنر» اطمینان کامل حاصل بود که این پادشاه فرخنده قبل از همه چیز ملت محبوب خود را اصل و اساس میدانند جساراً اول تبریکات و ادعیه خود را تقدیم ملت افغانستان که نزدیکترین و محبوبترین برادران نژادی و کیشی ما ایرانیان هستند داشته و اینک با بیان نارسا و ناتوان اجازت می طلبیم که مراتب ایرانیان مقیم اروپا را عموماً و ایرانیان ساکن آلمان را خصوصاً تقدیم پایگاه ذات همایونی داشته و از خداوند توانا و ایزد والا مسئلت نماییم که در هر نیت و اقدامی یار و یاور و در همه جا و در همه وقت معین و حافظ وجود همایون اعلیحضرت شهریاری باشد.^{۱۰}

اکنون باید پرسید: چطور آقای ستائیزی، شما از اظهار نظر خان عبدالغفار خان و علامه اقبال و چشم دیدهای سفیر فرانسه و سفیر انگلیس و ایرانیان مقیم آلمان در مورد شاه امان الله و نیز از نظر استدلال منطقی وزیر امور خارجه افغانستان (داکتر سپینتا) در مورد آن شاه مترقی و روشنفکر، چه احساسی دارید؟ آیا احساس شادمانی و غرور دارید، یا این نوشته ها و این نظریات باز هم شما را ناراحت و غم درون میکند؟ سخنان نجس و بویناک شما در برابر سخنان این شخصیت های والا، به مثابه تف سر به بالا است که روی خودتان را کثیف میکند، نه از شاه امان الله فقید را، و هیچ تاثیری بر نام و شهرت آن شاه مترقی نخواهد داشت.

پایان ۱۵ / ۹ / ۲۰۱۴

^{۱۰} - عارف گذرگاه، یک سند تاریخی، بمناسبت ۹۵ مین سالگر استقلال کشور، به حواله مجله علم و هنر، شماره ۳، ۱۹۲۸، برلین، تجت سرپرستی ابوالقاسم وثوق مهندس، مقاله مزدگانی بزرگ تشریف فرمائی اعلیحضرت امان الله خان به آلمان. (افغان جرمن آنلاین، اول سپتامبر ۲۰۱۴، <http://www.afghan>، pdf\۹۲۵-german.net/upload/Tahlilha_PDF/aziz_oref_yak_sanad_tarikhi_safar_amanullah_khan_ba_barlin